

روپاهایی که می آیند

ساسان گلفر

cinemaglobe.blogfa.com

ریشه‌های پنهان

■ اوضاع سیاسی و اجتماعی این روزها حتی بر فیلم‌هایی که داستان‌شان در یکی دو قرن پیش می‌گذرد هم سایه افکنده است. به آثار معرفی شده در این ستون، فیلم‌های معرفی نشده (۳۰ ضربه) و «جنگ ناپیدا» را نیز بیفزایید.

آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان



Abraham Lincoln: Vampire Hunter

شازندهمین رئیس‌جمهور آمریکا در این فیلم اکشن/فانتزی‌ترسناک به کارگردانی فیلمساز روس، تیمور بک‌مایتف («گپشان روز»، «تحت تعقیب») به انتقام کشته شدن مادرش به دست خون‌آشام‌ها دمار از روزگار آنها و حامیان برده‌دارشان درمی‌آورد.
ست گراهام-اسمیت (نویسنده «فرور و تعصب و زامبی‌ها») فیلمنامه را از رمانی به قلم خودش اقتباس کرده و تیم برتون از تهیه‌کنندگان فیلم است.
بنجامین واکر، دومینیک کوپر، آنتونی مکی و مری الیزابت وینستد از بازیگران این فیلم هستند.
زمان نمایش فیلم ۱۰۵ دقیقه است.

ریشه‌های علف



سیاستمداری ناشناس تصمیم می‌گیرد رئیس‌شورای شهر سیاتل را از کار برکنار کند و خود به جای وی بنشیند و روزنامه‌نگار بیکار هم ناچار می‌شود در این برنامه دیوانه‌وار به کمک او بیاید و البته رویدادهای ناخواسته هم به هرچه غریب‌تر شدن اوضاع کمک می‌کند. کمدی «ریشه‌های علف» را استیون جیلنهال نوشته و کارگردانی کرده است. کابی اسمادزر، جیسن بیگر، جوئل دیوید مور و کریستوفر مک دونالد از بازیگران این فیلم هستند.

دختر چاه کن



The Well Digger's Daughter (La fille du puisatier)
در بازسازی فیلم زمانتیک مارسل پانیول بعد از ۷۱ سال، در فرانسه پیش از جنگ جهانی اول پدری گرفتار مشکلاتی است که شرایط حاد سیاسی و اجتماعی برای همه به وجود آورده و دخترش نیز به مشکل بزرگی دچار شده است.
دنیل اونوی (بازیگر «روز هشتم» و «پنهان») اقتباس فیلمنامه، کارگردانی و بازیگری نقش اول را برعهده گرفته است و سابین آزما، آسترید برزفریزی و نیکلا دونولسان از دیگر بازیگران این فیلم فرانسوی هستند.

داداش



در این درام جنایی اکشن، سبک زندگی جاولت‌های شیفته موتورسواری در گل‌ولای و مسابقات موتو کراس به روی پرده منتقل شده است. پسرکی در حومه لس‌آنجلس با افرادی که صبح تا شب با این وسایل دوجرخ مشغول‌اند آشنا و پایش به دنیای خلافکاری نیز باز می‌شود و بالاخره مجبور می‌شود تصمیم بگیرد که چه مسیری را باید دنبال کند. بو منلی، ویل چاوز و کالین موریس و دنی تریپو در این فیلم مستقل ساخته نیک پارادا ایفای نقش می‌کنند.

کوماره



این مستند، پژوهشی است درباره اینکه چطور یک شید می‌تواند خود را رهبری معنوی جا بزند. فیلمساز، ویکرام گاندی، نام مستعار «کوماره» را برای خود انتخاب می‌کند و مریدانی در آریزونا پیدا می‌کند و تعالیمی به آنها می‌دهد و در پایان فیلم، هویت واقعی خود را برای آنها افشا می‌کند.
فیلم با زمان نمایش ۸۴ دقیقه محصول آمریکا و به زبان انگلیسی است و ویکرام گاندی همراه با چند آمریکایی و هندی در آن حضور دارند.

گفت‌وگو با ست گراهام – اسمیت و تیم برتون، نویسنده و تهیه‌کننده «آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان»

دوگانگی مرد قانون

ترجمه: وحیداله موسوی



عکس: OutNow

فیلمسازان ژرف بین، تیمور بک‌مایتف (کارگردان) و تیم برتون (تهیه‌کننده) با فیلم «آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان» برداشتی بدیع از ماجرای زندگی شازندهمین رئیس‌جمهور ایالات متحده دارند و نگاهی تازه به افسانه خون‌آشامان تشنه به خون می‌اندازند. وقتی مادر آبراهام لینکلن به‌وسیله یک موجود ماورایی به قتل می‌رسد، آتش خشم لینکلن برای انتقام‌گیری برافروخته می‌شود.
پرزیدنت لینکلن که در طول روز مرد قانون و در شب شکارچی است، عازم تار و مار کردن خون‌آشامان و یاریرگان برده‌دار آنها می‌شود.
فیلمنامه این فیلم را «ست گراهام-اسمیت» نوشته که براساس رمانی «آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان» از خود اوست.
بازیگران فیلم را بنجامین واکر در نقش آبراهام لینکلن صاحب‌عنوان، دومینیک کوپر، آنتونی مکی و مری ونیستد تشکیل می‌دهند.
«آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان» روز ۲۰ ژوئن (۳۱ خرداد) اکران شده است.

فیلمی از روی کتاب‌تان ملاقات کند» این حسایی ذهنم را باز کرد (می‌خسدد). من هم چنین چیزی گفتم: «آره، فکر می‌کنم می‌تونم اونو تو برنامه‌ام قرار بدم» (می‌خندد) چیز دیگری که می‌دانم این است که او فیلمی تهیه کرده بود با عنوان «۹» همراه با جیم‌لملی و تیمور بک‌مایتف، بنابراین هر سه آنها پیش از این فیلم، رابطه‌ای کاری با هم داشتند. پیش از آنکه بدانم، در اتفاقی بودم و داشتم با این سه تهیه‌کننده حرف می‌زدم. برتون: اولین بار، حتی پیش از اینکه «ست» کتاب را بنویسد این ایده را شنیدیم. من فقط عنوان آن را شنیدیم،

چشم‌اندازی در مه

نقدی بر فیلم

«آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان»

همه چیز فدای اسلوموشن

تاشا راابینسن

■ رمان تاریخی سرهم‌بندی‌شده سال ۲۰۱۰ ست

گراهام-اسمیت با عنوان «آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان» را می‌توان در عنوان مستحکش خلاصه کرد، اما بسرای آنها که فکر نمی‌کنند مفهوم مرکزی فیلم به اندازه کافی افراطی باشد، تیمور بک‌مایتف کارگردان («تحت تعقیب»، «گپشان شب») در اقتباس سینمایی‌اش تا نولسته بر این جنبه افزوده است. اکنون دیگر آبراهام لینکلن (با بازی بنجامین واکر) صرفا یک جوان سختکوش درستکار از ایلینویز نیست که متوجه می‌شود خون‌آشام‌ها واقعا وجود دارند و زندگی‌اش -هم شخصی و هم سیاسی- را وقف مبارزه با آنها می‌کند. او یک ابرقهرمان ابرجنگجوی فوق‌العاده مقتدر است که مهارت بسیاری در هنرهای رزمی با استفاده از تبر دارد. هنگامی که مربی او (دومینیک کوپر) یادش می‌دهد که چگونه با مردگان زنده روبرو شود، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین اولویت در این کلاس، داشتن یک ظاهر «با حال» در نماهای اسلوموشن است. مونتاژ نماهای مربوط به آموزش که طی آن لینکلن یاد می‌گیرد چگونه تیرش را مثل یک چماق در اطراف بدن به چرخش درآورد، آن هم بدون هیچ‌گونه کاربرد ملموسی، نه اولین سکانس خنده‌وار فیلم است و نه آخرینش، اما زیبایی‌شناسی فیلم را در خود خلاصه می‌کند: فیلمسازان به اشتباه تصور می‌کنند که هیچ چیز احقانه به نظر نمی‌رسد، چنانچه بتوانیم آن را با چهرای که به اندازه کافی عبوس است، به نمایش بگذاریم.

کتاب «فرور و تعصب و زامبی‌ها»ی گراهام اسمیت جنون فعلی رویگرد هیولایی به آثار کلاسیک را به راه انداخت («جین ایر کش»، «آلیس در زامبی‌لند» و نظایر آنها) و وقتی این رویه معمول شد، او خودش را کنار کشید و سراغ «آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان» رفت تا هیولا‌ها را با تاریخ واقعی در هم بیاویزد. در روایتی که او از گذشته به دست می‌دهد، برده‌داری در آمریکا فرصتی برای خون‌آشام‌ها را بسط آدم‌ها را تصاحب و بدون هیچ‌گونه عذاب وجدانی نوش جان کنند و جنگ داخلی تا اندازه زیادی به منظور بیرون آوردن مهر کشور از دست خون‌آشام‌ها به راه افتاد. در رمان، لینکلن وقتی از وجود خون‌آشام‌ها آگاه می‌شود که یکی از آنها مادرش را می‌کشد و او در تلخی و مصمم به انتقام گرفتن بزرگ می‌شود اما از ماهیت و قابلیت‌های دشمنش آگاهی ندارد تا آنکه معلمی پا به میدان گذاشته و ابزاری را که او لازم



دارد، در اختیارش می‌گذارد -مهم‌تر از همه یک تبر با تیغهای از نقره و دستیابی به نیروهای داخلی ابرقهرتی بن بهیادری‌اش- اما از لینکلن می‌خواهد که در عوض به‌قواعد و قوانین ریاضت‌کشانه او پایبند بماند. لینکلن به تدریج از این کار طفره می‌رود و راه خود را دنبال می‌کند. بسا مربی تاد (مری الیزابت ونیستد) ازدواج می‌کند و پیچدار می‌شود و حرفه سیاست را دنبال می‌کند که مبارزه مخفیانه با خون‌آشام‌ها را بسط می‌دهد و به حکومت بر کل کشور می‌رساند.

فیلم رنگارنگ‌ترین بخش این مسیر را دنبال و بخش بزرگی از زندگی لینکلن را حذف کرده اما عاشقانه به نبردها، معمولا به شکل اسلوموشن، چسبیده است. این بویایی همه چیز فدای اسلوموشن در صحنه روبراودی نهایی زمان فیلم را حدود پنج دقیقه افزایش داده است. این رویه معمول بک‌مایتف است؛ تصویرگرایی از مکتب زک اسائندر (سازنده «۳۰۰») -هر نما طراحی صحنه زیبایی دارد اما تدوینش ازهم‌گسیخته، شخصیت‌هایش کلکسیون لباس‌های خوشگل باسهمای و خط داستانی آن، یادآوری رویدادهای نام‌های آشناسنی است که برای معرفی روی آنها مکث می‌شود. حتی به عنوان یک بلاک باستر تابستانی هم این فیلم دوستدی و باسهمای است، مخصوصا وقتی نوبت به نمادگرایی شفرهپم‌کنندهاش می‌رسد: خفاش‌های هراس‌آور، باران غم‌انگیز، دود مرمر، جنگی که عبارت است از به طرف هم دوییدن و فریاد کشیدن دو نفر با پرچم‌هایی به نشانه شمال و جنوب. افسوس عبارت است از یک قطره اشک ترنگر از جنس گلیسرین که در صحنای طولانی روی صورت واکر به ناهمواری می‌غلتد. هر چیز دیگر هم عبارت است از یک سطح رنگ‌شده به عبق یک پیکسل.

به علاوه، اغلب احساس می‌شود که «آبراهام» تک‌های جاشده از یک فیلم بلندتر است که شاید از چند صحنه به اشتباه سرهم‌بندی‌شده، شکل گرفته است. شخصیت‌ها باری به هر جهت می‌آیند و می‌روند و پادروها را می‌شوند و کل حرفه سیاسی لینکلن در یک سخنرانی الکی خلاصه می‌شود. ظاهر ایکماکیف هیچ علاقه‌ای به شخصیت‌پردازی ندارد. مشکل این است که حتی صحنه‌های اکشن واقعی به نظر نمی‌رسند، مخصوصا در فرمت سه‌بعدی. داستان می‌کوشد تا فانتزی را وارد تاریخ کند اما از هیچ کدام درست استفاده نمی‌شود تا بتوان با آنها را تباط برقرار کرد.

منبع:ای.وی.کلاب

تیمور بک‌مایتف و بنجامین واکر سر صحنه فیلم



وقتی به یکی از پر آوازه‌ترین مردان در تاریخ آمریکا فکر می‌کنید، بی‌درنگ به ذهن‌تان خطور نمی‌کند که تیمور بک‌مایتف کارگردان روسی (فیلم‌های «تحت تعقیب»، «گپشان شب») باید همان کسی باشد که این داستان را روایت کند. ولی وقتی این فیلم آبراهام لینکلن را در حال نبرد با خون‌آشامان تصویر می‌کند، آن وقت است که این مساله اندکی معنا پیدا می‌کند در فیلم «آبراهام لینکلن: شکارچی خون‌آشامان»، بنجامین واکر نقش یکی از روسای جمهور آمریکا را ایفا می‌کند که تغییر کوچکی در داستان زندگیا‌ش داده شده است؛ او با خون‌آشامان می‌جنگد. با اینکه این مساله شاید اندکی احقانه جلوه کند، اما راز تاثیرگذاری این داستان این است که تک‌تک چیزهای دیگر بر بستر واقعیت استوارند. تابستان گذشته وقتی داشتند این فیلم را در نشو‌اوزلان فیلمبرداری می‌کردند، من به دینن پشت صحنه این تولید رفتم. من در مصاحبه‌ای گروهی با بک‌مایتف و جیم‌لملی تهیه‌کننده شرکت کردم. آنها درباره بن کردن فیلم بر واقعیت حرف زدند، اینکه چرا تصمیم‌های معینی برای بازیگری در این فیلم گرفتند، درباره خون‌آشامان، فیلمبرداری در نشو‌اوزلان، ظاهر فیلم، سه بعدی بودن آن، اینکه چگونه درگیر شدند و چیزیها دیگر.